



شهرداری خرمشهر





رساله رئیس بلديه خرمشهر (المحمره) بمناسبه يوم القدس العالمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يوم القدس العالمی، هو يوم غلغلة الامواج الجياشة من قبل الامم الواعية والغيورة كامة ايران النبيلة، ضد الظلم والاستبداد ويوم يقظة المسلمين وتعاضدهم امام العداوة والطغاة والمستكبرين في العالم. كما تفضل القائد الكبير والمرشد الديني للثورة الاسلامية في ايران (مدظله العالی):

يوم القدس، يوم غطاس الدفاع عن الحرية وحقوق مسلمی فلسطيين، التي لاتملك اسس الدفاع ويوم المقاومة والاعتزاز، العدالة واتحاد العالم الاسلامی. ولذا ضمن اعلان الانزجار عن النظام الصهيونی العميل وجميع طغاة العالم، نحترم المبادئ للقدس المحتلة ويومها، متابعين الاتحاد والوحدة المتصلة، معلنين الدفاع عن الحقوق الشرعية لامة فلسطین الماجدة.

داود دارابی
رئيس بلديه خرمشهر (المحمره)

روابط عمومی و امور بین الملل

suren-pahlav.com

سورن پهللو

گفتار بد

کردار بد

اندیشه بد

جمهوری اسلامی رایگانگان در ایران بر سرکار آورده اند و نیز اکثریت نزدیک به کل سرانش، تازی تبار و غیر ایرانی می باشند.

این دو اصل بایت جمهوری اسلامی را یک "رژیم غیر ایرانی و اشغالگر" می سازد، که ایران و ایرانی را در اشغال خود دارد. از آن روی رژیم به ایران از دریچه چشم یک اشغالگر می نگرد و با آن نیز مانند یک اشغالگر رفتار می کند!

شاپور سورنپهللو

www.suren-pahlav.com

Shapour
TVFP / 1998

۳۸ سال پیش در چنین روزی ملت ایران جان ها و خون ها فدا کرد تا خرمشهر همیشه ایرانی، "المحمره" تازی نگردد، ولی اکنون داود دارایی (!) شهردار دست نشانده رژیم روضه خوانان که اکثریتشان از جمله رهبر رژیم، تازی تباران لبنانی و عراقی الاصل می باشند، با گستاخی و بی شرمی واژه پلید المحمره که صدام حسین آن را با خود بگور برد را پس از نام خرمشهر در بیانیه دولتی قید می کند - و رضا غیبشاوی روزنامه نگار قوم گرای جناح دولتی اصلاح طلبان در پشتیبانی از شهردار خرمشهر، در روزنامه شرق با فرافکنی مدعی می شود که اعراب خوزستان بخاطر مخالفت با رضاشاه پهلوی، خواهان بازگرداندن نام های پیشین بر روی شهرهای خود (!) می باشند، - که البته تارنمای عصر ایران متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن را باز نشر داده است! [1]

بهر روی، در اینجاست که بایستی: "صدام حسین، آسوده بخواب که نوبتی ها و همتبارانت ایران را در اشغال خود داشته و آرزویت را بر آورده کرده اند!"

افزوده ۱:

برخی از هم میهنان در تائید ادعای رضا غیبشاهی در شبکه های اجتماعی نوشته اند که نام پیشین خرمشهر، محمره بوده است و نبایستی حساسیت نشان داد!

در پاسخ، نخست بایستی یادآور شد جدا از گفتگو بر سر نام یا نام های تاریخی خرمشهر، شوند[علت] اصلی در خُرده گیری و نکوهش در بکاربری واژه "محمره" از سوی یک مقام دولتی رژیم، نقض قوانین جغرافیایی کشور است. خرمشهر یک نام رسمی است و نبایستی نام دیگری، بویژه "المحمره" که بعضی ها و تازیان بر روی خرمشهر در طی ۵۷۸ روز اشغال آن شهر گذاشته بودند و تا به امروز از سوی گروه های تروریستی عرب در ایران^[2, 3] بکار می رود، نوشته شود.

البته این نخستین بار نیست که محمره بجای خرمشهر از سوی یک شخص وابسته به رژیم بکار برده می شود. در گذشته بارها از سوی السید محمدعلی موسوی جزائری نماینده الیسد علی خامنه ای و امام جمعه پیشین اهواز و نماینده کنونی استان خوزستان در مجلس خبرگان و نیز رئیس حوزه علمیه اهواز، که هر چند ماه به انگلستان سفر می کند، آنهم زمانی که اکثریت نزدیک به کل ایرانیان توان دریافت ویزا از بریتانیا را ندارند، بر زبان آورده شده بود؛ - همچنین شبکه عربی زبان "الاهواز" که توسط جزائری و نوبعی ها در ایران با پشتیبانی مالی رژیم براه افتاده است نیز بارها بجای نام های خوزستان، اهواز، خرمشهر، سوسنگرد، آبادان و شادگان، نامواژه های جعلی عربستان، الاحواز، محمره و خفاجیه، عبادان و دورق بکار برده شده است!

دوم، واژه «محمرة» تا پیش از سال ۱۸۱۰ ترسایی در هیچکدام از مدارک و اسناد تاریخی ایران و عثمانی ذکر نشده است و با آنکه برخی تلاش کرده اند تا با رنگ رومانتیک دادن به آن، مدعی شده اند که محمرة («کسانی درفش خود را رنگ سرخ می کنند») بخاطر جنبش خرمدینان که به سرخ جامگان نیز نامی بودند بوده است، ولی هیچ مدرک و سند تاریخی دال بر تأیید این ادعا در دست نیست.

بهر روی، با آنکه واژه «محمرة تازی می باشد، ولی می توان گمان داد که این نام را عثمانی ها بر آن گذاشته اند و سپس توسط بریتانیایی های سده ۱۹ ترسایی رواج داده شده است، زیرا بسیاری از نام های جغرافیایی که در منطقه از سوی بریتانیای سده ۱۹ ترسایی و نیز اروپائیان بکار برده می شد، در تبعیت از عثمانی ها بوده است، از جمله «خلیج بصره» (بصره کورفی) که برای مدتی در نقشه های انگلیسی بجای خلیج فارس درج می شد.

شوند این نامگذاری چه بوده است که عثمانی ها آن را «الکوت المحمرة» خوانده اند نیازمند به یک پژوهش ژرف تاریخی دارد، ولی بدور دیده نمی شود، نام طایفه ای از تازیان عراقی باشد که در آن مکان از سوی عثمانی های پیش از پیمان ارزروم (۱۸۲۳ و ۱۸۴۷ ترسایی) اسکان داده شده بوده و در نتیجه آن را محمرة خوانده اند. همچنین بایستی یادآور شد که اکثریت عرب زبانان ساکن استان خوزستان، در زمان قاجاریه به ایران مهاجرت نموده و مردمان بومی نمی باشند. [4]

نیز جای دارد اشاره شود که واژه «کوت» در زبان عربی، وام گرفته از پارسی-میانه (پهلوی) و کوتاه شده واژه «کوست» باشد می «منطقه و ناحیه» معنای به (kust).

در هر روی، در مورد پیشینه تاریخی نام خرمشهر، برخی آن میساز/میشان و برخی دیگر به خاراکس و اسکندر مقدونی پیوند داده اند که دوباره هیچ مدرک و سند تاریخی در تأیید آن ها در دست نیست، ولی با نگاه به نقشه های اروپائیان، بویژه نقشه های سده های ۱۷ و ۱۸ ترسایی، بر روی مکانی که خرمشهر امروزی بنا شده است به دو نامواژه «گناد» و «مادیان» همواره بر خورد می کنیم. اکنون بایستی پرسید، آیا گناد همان قباد یا قبادیان یا حتا «مادیان» جمع واژه «مادی» (در

گویش های بازمانده از پهلوی) به معنای "کانال آب"، نام های تاریخی خرمشهر بوده اند که همچون نام "هرمزداردشیر" نام راستین شهر اهواز بدست فراموشی سپرده شده اند؟ بدون هیچ گمانی یک پژوهش گسترده تاریخی می تواند روشناسازی کند؛ - ولی گذشته از هر موردی، خرمشهر نامیست رسمی و هر گونه دستبرد در آن نه تنها جرم و قابل پیگیری قانونی می باشد (البته نه در ایران اسلامی و عربزده که قانون بی قانونی شنزارهای نجد و حجاز ۱۴۰۰ سال پیش حاکم است)، نیز خیانت به ده ها هزار جانباختگانیست که برای ایرانی و خرمشهر ماندنش خون خویش را فدا نمودند می باشد.

شاپور سورنپهلاو

روز شهریور از ماه خرداد سال ۳۷۵۸ بهدینی

دوم خردادماه ۲۵۷۹ شاهنشاهی

۲۳ مه ۲۰۲۰ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

1 - "خرمشهر" فقط یک نام ندارد/ خرمشهر در کنار محمده <https://bit.ly/3d1D0uR>

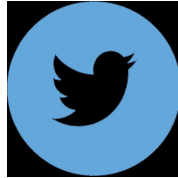
2 - سورنپهلو، شاپور، "مناطق نفت خیز ایران و نقشه خیالی امیرنشین الاحواز" goo.gl/KdvbEy،

3 - سورنپهلو، شاپور، "سایه لاشخوران بروی خاک ایران: افزایش فعالیتهای غریبان برای جداسازی خوزستان و دیگر سرزمینهای نفت خیز از ایران"

4 - همان

ملت ایران بایستی بداند و همواره در مد نظر داشته باشد که رژیم جمهوری اسلامی،
در حقیقت رژیم "نوقاجاریه" است!

با آگاهی بر این مساله، نه تنهایی توانیم دریابیم که چرا جامعه ایرانی در زمینه های
فرهنگی، علمی، ادبی، هنری، اخلاقی و مدنی سقوط فاحش داشته است، بلکه مهمتر
پیش بینی کنیم که این رژیم سرانجام چه بر سر تامت ارضی ایران خواهد آورد!
همانگونه که قاجارمانی از آب و خاک ایران را بباد داده و نیمی دیگرش را به یگانگان
واگذار کرده بودند، این رژیم نیز ایران را بدان نقطه خواهد کشاند!



#419ab3

